

## بررسی تطبیقی کردی ایلامی

غلامحسین کریمی دوستان

عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

### گوش کردی و دیگر لهجه‌های رایج در استان ایلام

استان ایلام از نظر تنوع لهجه‌ها و گویش‌های رایج در آن از موقعیت قابل توجهی برخوردار است. در این استان علاوه بر لهجه‌های گوناگون گویش کردی ایلامی (فیلی)، در شهرستان دهلران عده‌ای به لهجه‌ای از زبان عربی صحبت می‌کنند و در شهرستان‌های دهلران و دره شهر برخی به یکی از لهجه‌های گویش لری تکلم می‌نمایند. همچنین در برخی از نواحی شهرستان شیروان و چرداول لهجه لکی نیز رایج است. هرچند گویشوران لری، لکی یا کردی به راحتی با استفاده از لهجه خود می‌توانند با گویشوران دیگر لهجه‌ها مکالمه نمایند و یا به عبارتی هر یک از این لهجه‌ها برای گویشوران دیگر لهجه‌ها قابل فهم است ولی لهجه رایج در شهر ایلام از موقعیت اجتماعی بهتری برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان یک لهجه غالب محسوب گردد و دیگر لهجه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. برخورداری این لهجه غالب از موقعیت اجتماعی بهتر گاهی باعث می‌گردد که سخنوران دیگر لهجه‌های رایج در استان هنگام محاوره با سخنگویان این لهجه، بیانات خود را به این لهجه نزدیک کنند.

گوش کردی رایج در ایلام تاکنون به‌طور علمی و دقیق و گسترده مورد مطالعه قرار نگرفته و گاهی اظهارنظرهای متناقضی نیز در مورد آن بیان شده است. برخی از پژوهشگران از این گونه زبانی تحت عنوان گویشی از زبان کردی یاد کرده‌اند<sup>۱</sup> و برخی دیگر گویش ایلامی را گونه‌ای از لری دانسته‌اند.<sup>۲</sup> به منظور شناساندن بهتر این گویش در بخش‌های زیر به مقایسه این گویش با دو گویش کردی سورانی و اردلانی (سنندجی) همچنین لری خرم‌آبادی و فارسی معیار می‌پردازیم. سعی خواهیم کرد که این گونه‌های زبانی را از لحاظ دستگاه واجی، ساختار هجا، تطابق فعل با فاعل، کاربرد اصطلاحات و واژگان مقایسه کنیم تا موقعیت و ساختار گویش کردی ایلامی نسبت به رایج‌ترین گویش‌های منطقه غرب کشور و زبان فارسی روشن‌تر گردد.

### دستگاه واجی

حدود تعداد ۱۴۰ واج در زبان‌های بشری شناسایی شده است و از میان این تعداد در هر زبان یا گویشی به‌طور متوسط بین ۳۰ تا ۴۰ واج مورد استفاده قرار می‌گیرد. در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، تعدادی از این اصوات بین همه گویش‌ها مشترک هستند. در همین حال ممکن است تعدادی از این اصوات مختص یک گونه زبانی باشد و در دیگر گویش‌ها مشاهده نمی‌شود. براساس تحقیقات به عمل آمده، صوت /w/ به‌عنوان یک واج مستقل و متمایز از صوت /v/ در گویش‌های سورانی، اردلانی و ایلامی کاربرد دارد. در هر سه گویش واژه‌هایی مشاهده می‌گردد که تنها تفاوت آنها به‌کار رفتن /w/ به‌جای /v/ است و این جابه‌جایی باعث تمایز معنا و تشکیل کلماتی جدید می‌گردد یا به اصطلاح جفت کمینه تشکیل می‌دهند. همچنین در هر سه گویش صدای «ر» /r/ به دو صورت «ر» مشدد و «ر» ساده، به‌عنوان دو واج مستقل کاربرد دارد و در این گویش‌ها می‌توان واژه‌هایی یافت که اختلاف آنها فقط به خاطر اختلاف این دو واج است و این تفاوت منجر به اختلاف معنا و تشکیل دو واژه جداگانه و یا جفت کمینه می‌گردد. به همین ترتیب صدای «ل» /l/ به دو صورت «ل» پهن و «ل» ساده در این گویش‌ها قابل تلفظ است و همانند موارد پیشین موجب تشکیل جفت کمینه در این گویش‌ها می‌گردد. علاوه بر اینها، هم «ی» مجهول و هم «ی» ممدود در هر سه گویش کاربرد یکسان دارد و موجب تمایز معنا



می‌گردد. اینکه مجموعه واج‌های مذکور در این قسمت در کلیه گویش‌های کردی کاربرد یکسان دارند، می‌تواند به‌عنوان یک ویژگی مشترک و مختص این گونه‌های زبانی محسوب گردد. یعنی نه تنها در همه گویش‌های کردی این هشت واج وجود دارد و کاربرد یکسان دارد بلکه در گویش‌های ایرانی دیگر اعم از فارسی، لری و گیلکی این هشت واج چنین کاربردی ندارند. پس می‌توان نتیجه گرفت که از لحاظ وجود و کاربرد، این اصوات ایلامی به دیگر گویش‌های کردی نزدیک‌تر است تا هر گویش ایرانی دیگر.<sup>۳</sup> ناگفته نماند که به‌جز اصوات مورد اشاره در این قسمت، بقیه اصوات مورد استفاده در گویش ایلامی در دیگر گویش‌های ایرانی مانند فارسی و لری نیز کاربرد دارند.

### ساخت‌های هجایی

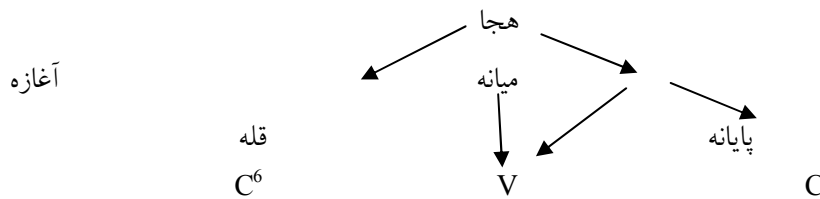
سخنوران یک زبان تعداد هجاها و مرز بین هجاها در واژگان زبان خود را می‌دانند و تا حدود زیادی بر سر تعداد هجاها و مرز بین آنها اتفاق نظر دارند. این امر بیانگر این واقعیت است که علم به تعداد هجا و مرز بین آنها در زنجیره گفتار، جزء دانش زبانی سخنوران یک زبان است. عده‌ای هجا را یک واحد آوایی متشکل از یک یا چند صوت که در مرکز آن یک مصوت یا یک صوت شبه مصوت قرار دارد تعریف کرده‌اند و برخی دیگر هجا را یک واحد آوایی بزرگتر از یک صوت و کوچکتر از یک واژه می‌دانند.<sup>۴</sup> پژوهشگران دیگری به رابطه یک به یک بین تعداد قبض و بسط سینه و تعداد هجاها در گفتار اشاره می‌کنند و برخی از جنبه شنیداری به موضوع می‌نگرند و می‌گویند که اصوات از نظر رسایی با هم تفاوت دارند و همیشه رساترین اصوات (مصوت‌ها) در مرکز هجا قرار می‌گیرند. پس از روی میزان رسایی اصوات می‌توان به تعداد هجاها در زنجیره گفتار پی برد. بدین صورت که به ازای هر مصوت (رساترین گروه اصوات) یک هجا وجود دارد.<sup>۵</sup>

هرچند هریک از تعاریف و نگاه‌های متفاوت بالا به هجا در جای خود می‌توانند دارای اهمیت و قابل تأمل باشد، اما موضوع مورد علاقه ما در این مقاله ساخت هجا است. منظور از ساخت هجا این است که یک هجا دارای چه اجزایی است و نحوه ترکیب و ترتیب قرار گرفتن



اجزای آن چگونه است و چه قوانینی بر نحوه شکل‌گیری و ترکیب اجزاء یک ساخت هجایی حاکم است؟ واج‌شناسان براساس مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده در مورد هجا در زبان‌های مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که هر هجا همان‌طور که در نمودار (۱) ترسیم شده است، از دو جزء آوایی به نام‌های «آغاز» (Onset) و «میانه» (Rhyme) تشکیل می‌شود و جزء دوم یعنی «میانه» خود به دو جزء «قله» (Peak) و «پایانه» (Coda) تقسیم می‌شود:

(۱)



بنابراین در آغاز و پایانه بسته به نوع و ویژگی‌های خاص هر زبان یک یا چند صامت ممکن است وجود داشته باشد. در گویش‌های کردی ایلامی، اردلانی و سورانی با توجه به تعداد صامت‌های موجود در آغاز و پایانه هجا، شش ساخت هجایی زیر مشاهده می‌گردد:

جدول (۱)

معنی	سورانی		اردلانی		ایلامی		ساخت هجا	ردیف
چه کسی	Ki	کی	Ki	کی	Ki	کی	CV	۱
درخت	dār	دار	dār	دار	dār	دار	CVC	۲
بخار	haḥm	حه لم	haḥm	حه لم	haḥm	هه لم	CVCC	۳
جدا	jyā	جیا	jyā	جیا	jyā	جیا	CCV	۴
جان	gyān	گیان	gyān	گیان	gyān	گیان	CCVC	۵
خورد	xwār	خوارد	xwārd	خوارد	xwārd	خوارد	CCVCC	۶

در ساخت هجایی ردیف ۱، یک صامت در آغاز و بدون صامت در پایانه؛

در ساخت هجایی ردیف ۲، یک صامت در آغاز و یک صامت در پایانه؛



در ساخت هجایی ردیف ۳، یک صامت در آغاز و دو صامت در پایانه؛  
 در ساخت هجایی ردیف ۴، دو صامت در آغاز و بدون صامت در پایانه؛  
 در ساخت هجایی ردیف ۵، دو صامت در آغاز و یک صامت در پایانه؛  
 در ساخت هجایی ردیف ۶، دو صامت در آغاز و دو صامت در پایانه.

آنچه در جدول (۱) مهم است واژه‌های مشترک در این گویش‌ها نیست، بلکه نحوه تشکیل هجا و اجزای ساخت‌های هجایی در این گونه‌های زبانی است، مثلاً در قله هر هجا یک مصوت یا (V) و یک یا چند صامت (C) وجود دارد. در ساخت‌های ۴ تا ۶ صامت دوم در آغاز هجا ضرورتاً باید یکی از اصوات /w/ یا /v/ باشد و هیچ صامت دیگری نمی‌تواند در این جایگاه قرار گیرد. هر واژه‌ای در این گویش‌ها از یک، دو یا چند هجا تشکیل می‌شود و این هجاها فقط از یکی از شش ساخت معرفی شده در جدول (۱) پیروی می‌کنند. این شش ساخت هجایی با این ویژگی‌ها مختص گویش‌های کردی مذکور هستند. یعنی هیچ گویش ایرانی دیگری دارای این تعداد ساخت هجا با این خصوصیات نمی‌باشد و هیچ گویش کردی در ایران وجود ندارد که دارای ساخت‌های هجایی مذکور با همه خصوصیات آنها نباشد. در فارسی و لری برخلاف گویش کردی ایلامی فقط سه ساخت هجایی وجود دارد. بدین معنی که هر هجایی در این دو گونه زبانی به صورت یکی از سه نوع ساخت ۱ تا ۳ در جدول ۱ تلفظ می‌گردد. برای مثال کلمه «ما» با یک صامت در آغاز و بدون صامت در پایانه دارای ساخت هجایی CV، کلمه «کار» با یک صامت در آغاز و یک صامت در پایانه دارای ساخت هجایی CVC و کلمه «کارت» با یک صامت در آغاز و دو صامت در پایانه دارای ساخت هجایی CVCC است. هیچ کلمه یا هجایی در فارسی و لری یافت نمی‌شود که دارای ساخت‌های هجایی مانند آنچه در ۴ تا ۶ در جدول ۱ داریم باشد. با این تفسیر می‌توان نتیجه گرفت که کردی ایلامی از نظر وجود ساخت‌های هجایی همانند گویش‌های سورانی و اردلانی است و با گویش‌های لری و فارسی که فقط سه ساخت هجایی دارند متفاوت است.

### تطابق فعل با فاعل

تطابق فعل با فاعل از لحاظ صرف فعل برای تعیین اینکه فاعل چندم شخص مفرد، مثنی یا جمع باشد از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. در ژاپنی فعل با فاعل تطابق ندارد، در فارسی فعل برای تطابق، با فاعل به شش صورت، در انگلیسی در زمان گذشته ساده به یک صورت و در زبان حال ساده به دو صورت و در عربی و فرانسه به بیش از ۱۴ صورت صرف می‌گردد. چون صرف فعل برای ایجاد تطابق بین فاعل و فعل یک ویژگی صرفی- نحوی (Morpho-syntactic) است برخلاف واژگان یک زبان به آسانی دچار تغییر و تحول نمی‌گردد.

برخلاف گویش‌های دیگر ایرانی مانند فارسی و لری که فعل در آنها به شش صورت صرف می‌گردد، در کردی فعل برای تطابق با فاعل به پنج صورت صرف می‌گردد. برای روشن شدن این نکته به صرف افعال «رفتن» و «گفتن» در چند گونه زبانی ایرانی در زیر توجه فرمایید:

الف- صرف افعال «گفتن» و «رفتن» در لری (خرم‌آبادی)

جدول (۲)

شخص و شمار	فعل گفتن	فعل رفتن
اول شخص مفرد	got-em	rat-em
دوم شخص مفرد	got-i	rat-i
سوم شخص مفرد	got	rat
اول شخص جمع	got-im	rat-im
دوم شخص جمع	got-id	rat-id
سوم شخص جمع	got-en	rat-en

ب- صرف افعال «گفتن» و «رفتن» در فارسی



## جدول (۳)

شخص و شمار	فعل گفتن	فعل رفتن
اول شخص مفرد	goft-am	raft-am
دوم شخص مفرد	goft-i	raft-i
سوم شخص مفرد	goft	raft
اول شخص جمع	goft-im	raft-im
دوم شخص جمع	goft-id	raft-id
سوم شخص جمع	goft-and	raft-and

ج- صرف افعال «گفتن» و «رفتن» در اردلانی و سورانی

## جدول (۴)

شخص و شمار	فعل گفتن	فعل رفتن
اول شخص مفرد	wot(got)-em	royšt(cu)-m
دوم شخص مفرد	wot(got)-i	royšt(cu)-i
سوم شخص مفرد	wot(got)	royšt(cu)
اول شخص جمع	wot(got)-in	royšt(cu)-in
دوم شخص جمع	wot(got)-en	royšt(cu)-en
سوم شخص جمع	wot(got)-en	royšt(cu)-en

د- صرف افعال «گفتن» و «رفتن» در ایلامی

جدول (۵)

شخص و شمار	فعل گفتن	فعل رفتن
اول شخص مفرد	wet-em	ceg-m
دوم شخص مفرد	wet-i	ceg-i
سوم شخص مفرد	wet	ceg
اول شخص جمع	wet-im	ceg-im
دوم شخص جمع	wet-en	ceg-en
سوم شخص جمع	wet-en	ceg-en

با کمی دقت می‌توان دریافت که گویش‌های اردلانی، سورانی و ایلامی یک تفاوت عمده با گویش‌های لری و فارسی دارند و آن این است که در فارسی و لری شش صیغه و در گویش‌های کردی پنج صیغه فعلی وجود دارد. در جدول (۲) و (۳) دوم شخص و سوم شخص مفرد به دو صورت ولی در جدول (۴) و (۵) دوم شخص و سوم شخص جمع به یک صورت صرف می‌شوند و با هم تفاوتی ندارند و این یکی از ویژگی‌های صرفی- نحوی گونه‌های زبانی کردی است و گویش ایلامی نیز دارای چنین ویژگی است.

### اصطلاحات

در همه زبان‌ها ترکیباتی یافت می‌شود که مجموع معانی اجزای آنها با معنای کلی ترکیب متفاوت است، مثلاً در فارسی عبارت «سر به سر گذاشتن» به معنای «شوخی کردن و شوخی کردن به قصد اذیت و آزار است» و معنی کل عبارت هیچ ربطی با کلمه «سر» و فعل «گذاشتن» ندارد و به عبارتی هیچ رابطه منطقی بین اجزای عبارت و کل معنای آن وجود ندارد. به این نوع ترکیبات «اصطلاح» گفته می‌شود. در دسته‌بندی گونه‌های زبانی، اصطلاحات از آن لحاظ اهمیت دارند که اصطلاحات، بسیار کندتر از واژگان دچار تغییر می‌شوند و از نظر احتمال و تصادف خیلی بعید است که دو یا چند واژه از میان چند صد هزار واژه در یک زبان به‌طور اتفاقی با هم ترکیب شوند



و به مفهومی متفاوت از معانی اصلی خود به کار بروند. پس هرگاه دو گونه زبانی دارای اصطلاحات مشترک باشند به احتمال قوی از نظر تاریخی و ریشه با هم قرابت دارند. نگارنده این سطور، در مشاهدات شخصی خود به اصطلاحات فراوانی برخورد نموده است که در هر سه گویش سورانی، اردلانی و ایلامی به کار می‌روند. این اصطلاحات با توجه به ترکیبات و معنای آنها مختص گویش‌های کردی هستند و در دیگر گویش‌های ایرانی مانند فارسی و لری کاربرد ندارند. وجود اصطلاحات مشترک در گویش‌های کردی مورد مطالعه می‌تواند نشانه‌ای از قرابت آنها از نظر تاریخی و ریشه‌ای باشد. در زیر توجه خوانندگان را به دو گونه از این اصطلاحات جلب می‌نمایم:

#### الف- اصطلاح ایلامی:

مه ر هایه بان ناگره و (mar hāya bān-e ? āgeraw).

معنی تحت لفظی: مگر روی آتش هستی؟

معنی اصطلاحی: چقدر عجله داری؟

این اصطلاح با همین ترکیبات و با اندک تفاوت تلفظی در گویش‌های اردلانی و سورانی نیز کاربرد دارد.

#### ب- اصطلاح ایلامی:

خاص هوردهو بوو نه لی (xās hurd-aw bu ali).

معنی تحت لفظی: «خوب به آن خرد بشو»

معنی اصطلاحی: «خوب به آن دقت کن»

#### ج- اصطلاح اردلانی و سورانی:

وردهو بوو (werd-aw bu)

معنی تحت لفظی: «خرد بشو»

معنی اصطلاحی: «دقت کن»

تفاوتی که گویش‌های کردی از لحاظ اصطلاحاتی مانند آنچه در موارد الف-ج مشاهده کردیم با دیگر گویش‌های ایرانی مانند فارسی و لری دارند نیز می‌تواند، بیانگر نزدیکی گویش‌های کردی جنوبی مانند گویش ایلامی به دیگر گویش‌های کردی باشد.

### واژگان و کلمات

در هر زبان و گویشی تعدادی واژه و کلمه وجود دارد که جملات و عبارات براساس قواعد نحوه خاص آن زبان از این واژگان تشکیل می‌گردند. در تحول و تغییر زبان‌ها واژگان زودتر از اصوات، جملات، قواعد واژگانی و نحوی دستخوش دگرگونی می‌گردند و در پدیده وامگیری گونه‌های زبانی از یکدیگر، واژگان اولین کاندیدا هستند و زودتر از دیگر واحدهای زبانی قابل انتقال از یک زبان به زبان دیگر هستند. مشاهدات نگارنده این سطور نشان می‌دهد که واژگان کردی ایلامی بسته به حوزه کاربرد آنها به واژگان گویش‌های کردی یا به واژگان فارسی شبیه هستند. لغات و کلمات مربوط به حوزه کشاورزی، دامداری و پدیده‌های طبیعی در گویش ایلامی در بسیاری موارد به واژگان کردی سورانی و اردلانی شبیه است و با لغات فارسی تفاوت دارد. برای مثال به واژگان مذکور در جدول ۶ توجه فرمائید:

جدول (۶)

ایلامی	سورانی	اردلانی	فارسی
gisk	gisk	gisk	بزغاله
tütek	tutek	tutek	بچه سگ (توله)
bāy	bāy	bāy	باد
gwān	gwān	gwān	پستان حیوان
dār	dār	dār	درخت
jāř	jāř	jāř	زمین آیش
xori	xuri		پشم گوسفند



هرچند در جدول ۶ واژگان ایلامی به واژگان گویش‌های سورانی و اردلانی شبیه هستند ولی در واژگان مربوط به حوزه اداری و زندگی شهرنشینی گویش ایلامی در بسیاری موارد به زبان فارسی شبیه است. برای مثال به نمونه‌های مذکور در جدول ۷ توجه کنید:

جدول (۷)

ایلامی	فارسی	سورانی	اردلانی
?ostād	استاد	māmustā	māmustā
taqča	طاقچه	rifha	
qāšūq	قاشق	kāwček	kāwček
kelās	کلاس	kelās	kelās
?ajoř	آجر	xešt-ê sur	
wakil	وکیل	nāwinar	
řa?is	رئیس	sarak	
sāxtemān	ساختمان	xanu	

در این نگاه اجمالی به ویژگی‌های مشترک کردی ایلامی با دیگر گونه‌های زبانی سعی کردیم فقط از ملاک‌های زبانی استفاده کنیم و برخلاف بسیاری از علاقه‌مندان به گویش‌های زبان کردی از استناد به ملاک‌های غیر زبانی دوری کردیم. امید است این مقاله کوتاه آغازی باشد برای کارهای مفید و عمیق‌تری در این راه و صاحب‌نظران علاقه‌مند به این موضوع این راه را ادامه دهند. برای جزئیات صرف افعال در دو گرایش اردلانی و سورانی به کلباسی (۱۳۶۲) و رنخزادی (۱۳۷۹) رجوع کنید.

### پی‌نوشت‌ها

۱. افشار سیستانی، ایرج، *نگاهی به ایلام*؛ ارسالن خرسند، توصیف ساختمان فعل در لهجه کرمانشاهی؛ ظاهر سارایی، زبان کردی و گویش‌های آن.
۲. ابراهیمی، محمد، *پیوندی زاراهوی هه‌وراه‌ی و زمانه کونه‌کانی ئیران*؛ Edmonds, E. J., *Kurds, Turks and Arabs*.
۳. برای توضیح بیشتر و مشاهده جفت‌های کمینه برای اصوات مورد نظر در گویش‌های کردی مراجعه کنید به: کلباسی، ایران، *کردی مهابادی*؛ غلامحسین کریمی‌دوستان، *دستگاه واجی کردی سنندج*، و غلامحسین کریمی‌دوستان، *کردی ایلامی*.
4. Crystal, D., *The Cambridge Encyclopedia of Language*; Fraomkin, V. A., et al, *Linguistics*.
5. Crystal, *The Cambridge Encyclopedia of Language*, p. 464.
۶. حروف C و V نمایانگر نوع صوتی هستند که در هر یک از اجزای یک هجا به کار می‌روند. حروف C مخفف واژه Consonant با معادل فارسی همخوان یا صامت و حرف V مخفف واژه انگلیسی Vowel (واکه یا مصوت) است.

### منابع

- ابراهیمی، محمد، *پیوندی زاراهوی هه‌وراه‌ی و زمانه کونه‌کانی ئیران*، آوینه، شماره ۳۷، ۱۳۷۷.
- افشار، ایرج، *نگاهی به ایلام*، تهران، نشر هنر، ۱۳۶۶.
- خرسند، ارسالن، «توصیف ساختمان فعل در لهجه کرمانشاهی»، *مجله زبان‌شناسی*، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۶۷.
- رخرزادی، علی، *آواشناسی و دستور زبان کردی*، تهران، انتشارات ترفند، ۱۳۷۹.
- سارایی، ظاهر، «زبان کردی، گویش‌های آن»، *فرهنگ ایلام*، شماره پنجم و ششم، ۱۳۸۰.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین، «دستگاه واجی کردی سنندج»، *مجله زبان‌شناسی*، سال دهم، شماره اول، ۱۳۷۲.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین، *کردی ایلامی*، سنندج، انتشارات دانشگاه کردستان، ۱۳۸۰.
- کلباسی، ایران، *کردی مهابادی*، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- Crystal, D., *The Cambridge Encyclopedia of Language*, Cambridge University press, 1989.
- Edmonds, E. J., *Kurds, Turks and Arabs*, Landon: Oxford university Press, 1975.
- Fraomkin, V. A., et al, *Linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press, 2001.